



موسیقی ایران در دوره اسلامی و دوران بعد از اسلام

احسان قدمی

عضو درجه یک خانه موسیقی ایران و نوازنده و مدرس موسیقی

چکیده

از موسیقی باستانی ایرانی اطلاع دقیقی نداریم، اما آثار آن در حجاری‌ها و اشعار قدیم و کتاب‌های لغت باقی مانده است. نام نویسندگانی مانند باربد و نکیسا و اسم آوازهای و لحن‌های موسیقی که در اشعار فارسی و کتاب‌های لغت دیده می‌شود و نقش سازهای قدیم و نوازندگان درباری در حجاری‌ها همه حکایت از عظمت و جلال موسیقی دارد. بعد از اسلام تا یکی دو قرن، از سرنوشت موسیقی خبری در دست نیست، بعدها که شرایط برای فعالیت‌های علمی و هنری مساعد شد، پیشرفت موسیقی خیلی کندتر و نامحسوس‌تر از دیگر رشته‌های هنر صورت گرفت. اما از زمان فارابی به بعد موسیقی در ایران به صورت علمی و مدون درآمد و دارای کتاب و صبغه علمی شد در این مقاله به سیر موسیقی در ایران پس از اسلام پرداخته می‌شود.

کلید واژه

موسیقی، ایران، دوران بعد از اسلام، تاریخ، هنر

موسیقی ایران در دوره اسلامی

پس از سقوط سلسله ساسانی و استقرار خلافت اسلامی و رویدادها و حوادث ناشی از این دگرگونی تاریخی تا مدتها فرصتی برای پرداختن به موسیقی نماند. با این همه، پیشینه غنی موسیقی و رواج پر دامنه آن در عهد ساسانیان مانع از آن شد که موسیقی یکباره و به دست فراموشی و نابودی سپرده شود. یکی از مواردی که کاملاً تحت تأثیر و نفوذ ایران قرار گرفت، موسیقی عرب می‌باشد که تا پس از برچیده شدن دستگاه خلافت عباسی (۶۵۶ ه.ق) این نفوذ و تأثیر برقرار ماند. به طوری که پس از این تاریخ سه چیز در اثر تحول عظیم ششصد ساله اسلام به جا ماند: دین مبین اسلام، تأثیر زبان عرب در زبان فارسی و برعکس و اختلاط و تأثیر موسیقی ایران در موسیقی عرب. با این توصیف که در همان اوقات در روستاها و بیرون از شهرها، به ویژه مردمانی که در پناه کوهستان‌ها و کرانه‌های دریای مازندران بسر می‌بردند، موسیقی اصیل و خاص خود را تا حدودی دست‌نخورده و دور از این درهم آمیختگی نگاه داشتند که بعضی از آنها به همان وضع به ما رسیده است (سامی، مجموعه مقالات، ۱۰۵، ۱۰۶). از این رو موسیقی کشورهای اسلامی که اکنون در کشورهای باختری به موسیقی عرب معروف است به وسیله ایرانیان پایه‌گذاری شد و عرب در آغاز به تمدن و صنعت و هنر توجهی نداشت. پس از اسلام نیز اشتغال به صنعت و هنر را دون شأن خود می‌دانست، آنها را از کارهای موالی می‌شمرد و از مباشرت به آن پرهیز داشت و چون با تمدن و زندگانی شهری خو گرفت و خود را محتاج به علوم و صنایع دید، ناگزیر دست به دامن موالی زد و چون بیشتر اهل هنر و صنعت ایرانی بودند، صنایع و هنر ایران، از جمله موسیقی میان عرب رواج یافت و به تدریج توسعه پیدا کرد و در زمان خلفای عباسی موسیقی اسلامی ایران جانشین موسیقی عرب گردید. با آنکه بر اثر مرور زمان و عوامل محلی و اجتماعی، موسیقی کنونی کشورهای عربی رنگ خاصی به خود گرفته است، هنوز آثار موسیقی ایرانی در آن کاملاً مشهود و نمایان است، زیرا اساس آن از موسیقی ایران اقتباس شده و موسیقی آن بر پایه موسیقی ایرانی استوار گردیده است (جوادی، ۱۳۸۰: ۱۴۰). چنانکه از میان پنجاه و دو «مقام» معمول در موسیقی کشورهای مصر، سوریه و لبنان سی «مقام» آن در بین «آواها» و «گوشه‌های» ردیف ایرانی موجود است (مشحون، ۱۳۸۰: ۹۰). نشانه دیگری که از موسیقی



ایران زمان ساسانی در سرزمین عرب می‌توان یافت سازهای گوناگون است که در آن سرزمین متداول است. زیرا اعراب پیش از اسلام به احتمال از آلات موسیقی جز طبل و شاید نی و بوق چیزی دیگری نداشتند. تاریخ اختراع سازها به واسطه قدمت زمان روش نیست و ابونصر فارابی در کتابهای خود (نک: مروج الذهب، چاپ قاهره، ج ۲، ۴۵۳)، هر جا که از موسیقی و پیشینه سازها گفتگو می‌کند، این نکته را متذکر شده است (مشحون، ۹۸).

موسیقی ایران در دوره پس از اسلام

دوره چهارصد ساله موسیقی ایران در حکومت ساسانیان، دوره مجد و عظمت و اعتلای موسیقی است و هنوز به عنوان دوران طلایی این هنر در فرهنگ و تمدن ایرانی نام برده می‌شود. تنوع موسیقی و ساز در عصر ساسانی، رونق این هنر و از طرفی حرمت و عزت هنرمند موسیقی در آن عصر را معلوم می‌کند. همچنین این دوره تنها دوره‌ای از تاریخ ایران است که موسیقی در کتابهای آن نیز ردپایی دارد؛ در کتابهایی مثل یادگارنامه زیران، منظومه درخت آسوریک، متون نیایشی مانوی و «گات»های اوستا، می‌توان رد پای موسیقی و جایگاه این هنر را پیدا کرد و تا حدودی به قدر و منزلت این هنر در دوران ساسانی پی برد. سنت دیرپای عصر ساسانی در ابعاد متنوعی چون موسیقی بزمی، موسیقی نظامی، موسیقی مراسم تشریفات و رسمی، موسیقی کار، موسیقی مذهبی و... در عصر اردشیر تا خسرو پرویز به نهایت رشد و شکوفایی رسید و دنباله آن تا قرون بعد نیز تداوم یافت؛ در واقع شاید بتوان موسیقی ایران در دوره ساسانی را سرمنشاء فرمها و شکل‌های موسیقی ایران در قرون بعدی دانست.

دوره پس از اسلام عصر بررسی‌های نظری موسیقی

بی‌تردید نوشته‌های نظری موسیقی مهم‌ترین بخش موسیقی در دوره اسلامی است و آثار باقی‌مانده، از نظر اسامی الحان، سازهای متداول، طرز پرده‌بندی سازها و درجات گام، راهنمای محققین است. در این دوره هنوز در ایران نغمه‌ها و وزن‌های قدیم و هفت طرق ملوکیه (مقامات ملوکیه) و سازهای قدیم مانند عود و چنگ (به‌ویژه در خراسان) و تنبور (در طبرستان و ری) رواج داشته است (سپنتا، ۱۳۸۲: ۴۵). در این دوره تألیفات و رسالات دانشمندان ایرانی و اسلامی در باره موسیقی ایرانی چشمگیر است. در قرن دوم هجری ابراهیم ایرانی (معروف به موصلی) کتاب «النغم و الايقاع» و ابن خردادبه کتاب «الادب و السماع» و کتاب «للهود الملاهی»، و در قرن سوم ابوالعباس سرخسی کتاب «الموسیقی الکبیر» و ابوبکر اهوازی پزشک و دانشمند شهیر ایرانی کتاب «فی الجهل الموسیقی» را تألیف کردند. همچنین ابوالفرج اصفهانی متوفی ۲۸۶ ه. ق کتاب «الآغانی»، محمد زکریای رازی متوفی ۳۱۱ ه. ق یک کتاب در موسیقی و یک کتاب در آواز، ابونصر فارابی متوفی ۳۳۹ ه. ق کتابی به نام «الموسیقی» و ابوالحسن برمکی کتابی راجع به نوازندگان طنبور دارند؛ خواجه نصیرالدین طوسی رساله‌ای در موسیقی، صفی‌الدین بن عبدالمؤمن ارموی متوفی ۶۵۶ ه. ق دو تألیف مهم، یکی رساله شوقیه در خواص موسیقی و دیگری کتاب ادوار راجع به دستگاه‌ها نوشته‌اند. محمد املی متوفی ۷۱۶ ه. ق صاحب کتاب نفائس الفنون، قطب‌الدین محمود شیرازی پزشک معروف متوفی ۷۱۰ ه. ق در دره‌التاج و عبدالقادر مراغه‌ای، همه در باره موسیقی ایران ضمن تألیفات خود، مطالب و اطلاعاتی ضبط کرده‌اند (سامی، ۱۲۴، ۱۲۵). عبدالقادر حافظ مراغه‌ای معروف به ابن‌غیبی متوفی ۸۳۸ ه. ق چند تألیف مهم در موسیقی دارد: جامع الالحان، شرح ادوار [۱] که در آن کتاب ادوار صفی‌الدین را تشریح کرده است. دو کتاب مختصر دیگر به نام مقاصد الالحان و دیگری مختصر الالحان، کتاب پنجم او به کنزالالحان تاکنون بدست نیامده است و از پسرش عبدالعزیز نیز دو کتاب موسیقی باقی مانده است که در کتابخانه نور عثمانیه اسلامبول مضبوط است (برکشلی، ۱۳۵۵: ۶). ابونصر فارابی در یکی از تألیفات خود در باره طنبور خراسانی می‌نویسد: این طنبور که در دربار خلفای عباسی و سایر اقوام رواج داشت در کشورهای مجاور به نام «طنبوره»، در چین «تیپولا» و در آلبانی که بدانجا از راه یونان راه یافت به نام «تامورا» معروف گشت. فارابی از یک ساز سیمی کاملی سخن می‌گوید که توسط یک ایرانی به نام ابن احوص السعدی در قرن سوم هجری اختراع شده و نام آن «شاهرود» بوده است. در قرن هفتم هجری صفی‌الدین ارموی



دو کتاب به نام الادوار و رساله الشرقیه نوشت. وی از پیشگامان فرضیه تقسیم ابعاد موسیقی به هفده قسمت می‌باشد و قطب‌الدین محمود شیرازی تاریخ موسیقی ایران را به نام «دره‌التاج» در قرن هفتم هجری نوشت. در میان این نویسندگان، نخستین دانشمندی که به زبان فارسی در باره اصول موسیقی کتاب نوشت ابوعلی سینا می‌باشد (۳۷۰ تا ۴۲۸ ه.ق) و کتاب او «النجاه» پس از ترجمه شاگردش به نام دانشنامه علایی نامیده شد. همچنین یکی دیگر از شاگردانش در قرن چهارم کتاب «الکافی فی الموسیقی» را نگاشت که در آن اطلاعات جالبی از اصول موسیقی ایرانی و خراسانی می‌دهد. ابوعلی سینا همچنین در دوازدهمین رساله الشفا قسمتی در باره موسیقی دارد (همان). کتاب کنز التحف نیز در نیمه قرن هشتم به فارسی نوشته شده و در آن صورت و شرح و شکل آلات موسیقی داده شده است. در این کتاب و کتاب ابن‌غیبی مخصوصاً متذکر شده که ایرانیان نخستین ملتی هستند که شرح آلات و ادوات موسیقی را به تفصیل بیان کرده‌اند. از جمله دانشمندان دیگر ابونصر محمدبن فارابی است که در حدود ۲۶۰ ه.ق (۷۸۰ میلادی) در خراسان بزرگ به دنیا آمد. او در نواختن عود تبحر به‌سزایی داشته و از دانشمندان بزرگ زمان خود بوده است. او رسائلی در منطق و اخلاق و سیاست و ریاضیات و شیمی و فلسفه و موسیقی نوشته است. این آثار به زبان لاتین ترجمه و در مدارس و دانشگاه‌های اروپا تا دیرزمانی تدریس می‌شده است. فارابی را پس از ارسطو معلم دوم دانسته‌اند. کتابهای معروف او در موسیقی «الموسیقی - الکبیر»، «کلام فی الموسیقاء»، «احصاء الايقاع» و کتاب «فی النقره مضاف الی الايقاع» می‌باشد. از این تألیفات کتاب اولی فقط در دست است. کتاب دیگری هم به نام احصاء العلوم در باره موسیقی نوشته که در قرون وسطی به زبان لاتین و عبری ترجمه و مورد استفاده دانشجویان و دانشمندان اروپایی بوده است. ابن‌خردادبه دانشمند شهیر ایرانی نیز تألیفاتی در موسیقی دارد. او ضمن فنونی که فرا گرفته بود موسیقی را نیز در بغداد نزد اسحق موصلی یاد گرفت و رسالاتی در باره این فن دارد، مانند کتاب الادب و السماع و کتاب اللهو و الملاهی که رساله آخری در دست می‌باشد.

دوره خلفا

نواختن عود در این دوره متداول و مطلوب بود. موسیقی گاه به علت تحریم (به ویژه در عصر خلفای راشدین) مهجور بوده است و اکثراً نواختن و خوانندگی کار غلامان آزاد شده (موالی) بوده است که دارای چندان منزلتی در بین مردم نبودند و گاه نوازندگانی در دوره امین و مأمون مانند ابراهیم موصلی (متوفی ۱۸۸ ه) و پسرش اسحق موصلی (متوفی ۲۳۵ ه) بر اثر مقبولیت دستگاه خلافت دارای منزلت و اعتبار بوده‌اند. سازهایی که اکتبای کرده‌اند: چنگ، نای، بریط (عود)، چغانه، تنبور، غزک، کمانچه و نوعی تار و سنتور در آثار بر جای مانده از تصاویر این سازها به چشم می‌خورد و بیشتر عود دیده می‌شود که ارتباط آنان با این ساز را بیشتر بیان می‌کند. که با آن سازهایی کوبه‌ای موسیقی نیز برای ایجاد وزن و ریتم همراهی می‌کردند.

ایلخانیان و تیموریان

در این دوران موسیقی به نحو چشمگیری تابع شعر شد و طبیعتاً وزن‌های سجع فارسی در وزن موسیقی تأثیر نهاد، و برخی از شعرا اشعار خود را با آواز و نواختن ساز اجرا می‌کرده‌اند. نواهای دوران باستان و مایه‌ها که منسوب به باربد بود تأثیر زیادی بر آثار موسیقی داشت. خواندن اشعار حماسی مثل شاهنامه خوانی رواج یافت و وزن شاهنامه در موسیقی مطرح شد. سازهایی متنوعی در هم‌نوازی به کار رفت و برخی سازهای جدید مانند: مغنی (نوعی عود) و نزهه (نوعی قانون) اختراع شد. موسیقی صوفیانه و سماع در خانقاه‌ها یا سازهایی معمول آن سبک موسیقی مانند: نی، رباب و در برخی موارد تنبور اجرا شد و وزن‌ها و ملودی‌های خاص خود را پرورش داد. در مکتب هرات آثار نقاشی از هنرمندان متعدد به چشم می‌خورد که رقص صما در برخی آنها به وفور به چشم می‌خورد و نوازندگان و رقاصان را در دربار شاهان به گونه‌های مختلف در آثار نگارگری خود نشان دادند که رابطه موسیقی با دربار را در آن دوران حاکی می‌شوند. از سازهایی موجود در دوره مغول می‌توان از: رباب، عود، مغنی، چنگ، ساز کمانه‌ای به نام گیچک و نی کوچک به نام «بیشه» و نی سیاه، تنبور



(به ویژه تنبور دو کاسه ای مانند تار)، دو تار و نوعی سه تار و نوعی کمانچه، و ساز کوبه ای دف و دایره و سازهای موسیقی نظام که در آنها تغییر عمده نسبت به گذشته حاصل نشده بود، از قبیل: سورنای، نفیر، بوق و طبل و گروه های خوانندگان که در این دوره در دستگاه حکمرانان بودند.

صفویه

در دوره صفویه هنر موسیقی بر خلاف هنرهای دیگر از جمله قلمزنی، نقاشی و معماری و ... هیچ تحول و پیشرفت خاصی پدید نیامد و علت آن هم به خاطر باورهای مذهبی و تحریم موسیقی بود که موسیقی نوازان اقبال و پذیرشی نیافتند، از طرفی موسیقی نیز به دست افراد بی سواد افتاد. به خلاف چنین وضعی در دوره صفویه موسیقی ایران در هند تجلی یافت. و در دوره شاهان مغول بعد از امیر تیمور در هند، برخی هنرها مثل معماری و ادبیات از ایران تاثیر پذیرفت در زمان پادشاهی اکبر شاه هندی تعدادی خنیاگران ایران به دربار او راه یافته و در همان زمان نقاره خانه ای در دهلی بر پا شد. از قبیل سازهایی که از ایران و نام فارسی آن اقتباس شد: تنبور، سیتار، دهل، نی، سرنا و نقاره می باشند. یکی از بنیان گذاران سلسله صفویه شیخ حیدر (متوفی ۸۹۸ ه) به اختراع چهار تار شهرت دارد و ساز دیگری به نام ۶ تار به وسیله رضاء الدین شیرازی در شیراز اختراع و بالابان نیز در آن شهر حاصل آمد. ابراهیم میرزا برادرزاده شاه اسماعیل صفوی (حکمرانی ۹۰۶-۹۳۰ ه) قاسم قانونی هروی را به مشهد دعوت کرد ولی از ترس عمومی خود شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ه) استاد خود رادر زیرزمین پنهان کرد، تا در پی معلم سلطان حیدر میرزا بر سر دار نرود. رباب به وسیله عبدالله فریادی و غیچک به وسیله قلی محمد تکمیل شد در این دوره تاثیر خارجی به ویژه چین در نقاشی اصفهان مشاهده می شود و بعید نیست که در عرضه برخی سازهای موسیقی هم بی تاثیر نبوده است. در دو مجلس «نقاشی» شده از دوره شاه عباس اول و شاه طهماسب که در تالار کاخ ۴۰ ستون موجود است رقص و هم نوازی دوره صفویه نقاشی شده است که از سازهایی مانند: ارغنون، عود، کمانچه، و قانون و نای و دف استفاده شده است. تصاویری از نوازندگان سورنا و نقاره و نوازندگان نظام که با کرنا و کوس نواخته می شد موجود است. در دوره «شاه صفی» ترومپت انگلیسی در ایران و ترکیه شناخته شد بود. موسیقی ایران در سرزمین های شرقی عرب تا کشور مغرب نفوذ یافت. و بسیاری از اصلاحات موسیقی ترک هم از ایران به زبان عرب اخذ شده است. بنابراین همان گونه که ایران در موسیقی نظری و عملی از دیگران تاثیر گرفت پس از مدتی خود بر آنها تاثیر نهاد. در یک نقاشی دیواری در تالار بار سلطنتی که مجلس بزم شاه عباس و پذیرایی او از *ولی محمد خان فرمانروای ترکستان را در چهلستون اصفهان نشان می دهد که در طرف چپ نوازندگان متشکل از نی، سه نفر دف و یک نفر کمانچه مشاهده می شود. در نقاشی دیگر همان تالار مجلس پذیرایی شاه طهماسب اول از همایون شاه هندی را نشان می دهد و نوازندگان که در قسمت چپ هستند عبارتند از عود، دف، قانون، ساز دهنی مانند ارغنون، خنیاگری و موسیقی بیشتر راه تفنن و سرگرمی را پیمود و از منزلت خنیاگران دستگاه سلطنت دوره ساسانی دیگر خبری نیست بلکه در این دوره آن حرفه به همان مسیری افتاد که در دوره قاجار به نام «عمل طرب» خوانده شدند. موسیقی مجلسی بیشتر بداهه سرایی بود. خواننده بعد از خواندن شعر جواب را به همان صورت از نوازنده می گرفت و موسیقی هنر خصوصی بود که در خلوت اجرا می شد. پرداختن به تزیینات در هنرهایی مانند «طراحی، نقاشی، تذهیب، کاشی کاری و قلمزنی جای بیشتری یافت و به صورت گل و بته و اسلیمی و ترنج و غیره خودنمایی کرد. تزیینات در اجرای موسیقی و به ویژه آواز به هنگام ادای مصوت ها مانند تحریرها و غلت ها هم به عنوان دست آویزی برای عرضه مهارت خواننده و نوازنده و برداشت از طبیعت و هم برای جبران یکنواختی طرح در ملودی محدود و یک صدا مورد استفاده قرار می گرفت. تزیینات مذکور مناسب تک خوانی و تک نوازی و احتمالاً برای جبران عدم گرایش به هم نوازی به کار می رفته است.

قاجاریه

از موسیقی قاجار موسیقیدانان آن دوره در نسبت با صفویه آثار و شواهد بیشتری در دست است. با توجه به آثار نگارگری و



نقاشی های این دوره شاهد موسیقی های مجلسی و بزم می باشیم. در این دوره در موسیقی مجلسی تغییراتی روی داد و برخی از سازها که در عصرهای قبل از آن معمول بود در این دوره مهجور ماند و نواختن آن متروک گردید که می توان اینها را برشمرد: «عود، رباب، چنگ، قانون» در عوض سازهای دیگری بیشتر معمول گشت که از آن قبیل می توان از: «تار و سه تار (که در نقش های دوره های قبل مشاهده نمی شود)، کمانچه، سنتور، نی، سورنا و نفیر (نوعی بوق از شاخ حیوان یا فلز)، کرنا، دهل، تنبک، نقاره، سنج، نی انبان، دایره و سوتک» برخی سازها هم در ایران اختراع شد مانند «رموز» که شخصی همدانی در تهران اختراع کرد. «هنری فارمر» محقق انگلیسی از اختراع دو نوع کمانچه در سال (۱۳۰۰ ه.ق) توسط میرزا غلامحسین یاد می کند. یکی از آنها به نام «طرب انگیز» و دیگری «مدیلان آرا» نامیده است. نوبه زدن در موسیقی منسوخ شد و به جای آن قطعات ضربی و تصنیف رواج گرفت. یکی از نوازندگان معروف آن دوره «آقاجان» پدر «میرزا حبیب سماع حضور» کمانچه ای اختراع کرد که دارای سیم ها و پیچ های زیاد و دسته ای بلند بود و ایستاده می نواخت و نام آن را «مجلس آرا» نهاده بود و شب ها برای ناصرالدین شاه می نواخت. طبق نوشته برخی سفرنامه ها و تصاویر، نواختن موسیقی به ویژه در میهمانی ها و هنگام صرف ناهار معمول بوده است. در آن نوع موسیقی مجلسی غالباً یک ساز کوبه ای و تار با خواننده آواز همراهی می کردند. در دستگاه های حکام به ویژه سلاطین قاجار نوازندگان و خوانندگان هم به صورت خصوصی و هم در مراسم مناسب مانند «آش پزان» انجام وظیفه می کردند. و نوازندگان را «عمله طرب» یا «مطرب» می خواندند. نوازندگان روستایی به جز استفاده از آواز و سازهایی مانند کمانچه و غیره از طبل بزرگ و سرنا هم استفاده می کردند. به نوازندگان و خوانندگانی که با هم همکاری داشتند «دسته» می نامیدند. از مشهورترین آن دسته ها در دوره ناصرالدین شاه دو دسته را می توان نام برد که هر دو دسته ها نابینا بودند. «یکی معروف به دسته مومن کور و دسته دیگر کریم کور» که این دو دسته اغلب خانواده ای بودند (مثلاً پدر و دختر و همسر) نوازندگانی که در دوره ناصرالدین شاه حدود ۵۰ سال خدمت کرده به آنها مطرب می خواندند نظیر: آقا علی اکبر، آقا غلامحسین، میرزا عبدالله (نوازندگان تار). سنتور خان، محمد صادق خان و میرزا حبیب سماع حضور (نوازندگان سنتور). خوشنواز خان، مطلب خان، جواد خان قزوینی (نوازندگان کمانچه). که هر کدام از این ها، ردیف دانان قدر ایرانی بودند که خیلی از ردیف های موسیقی دستگاهی ایران به نام اینها ثبت شده است. در دوره اخیر الذکر قدر و قیمتی برای آن هنر و اجرا کنندگان آن قایل نبودند و اشخاص سرشناس ه ندرت به فرا گرفتن موسیقی یا نواختن ساز می پرداختند. و اگر هم چنین می کردند جنبه شخصی و خصوصی داشته است. و از طرفی موسیقی و اجرای آن به دست «لوطیان» و اشخاص بی سروپا افتاد. (اوژن فلاندن، ترجمه ۱۳۲۶) «داوود بروان» انگلیسی از نشستن موسیقی دانان در پای سفره و پایین مجلس در مقابل میهمانان که بنا به درجه و مقام در سر سفره می نشستند خبر می دهد. در دوره فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار نام برخی خنیاگران و نوازندگان که دارای دسته ای نیز بودند ذکر شده است. از قبیل: استاد زهره و استاد مینا. چالانچی خان، مهرباب ارمنی، که دسته زهره و مینا ۵۰ نفری بوده و تار و سه تار و کمانچه و سنتور و ضرب و خواننده و رقصان بودند. و «حاجی علی محمد الله حضور» خوش آواز بود ولی جز در خلوت نزد فتحعلی شاه هنر خود را بروز نمی داد [۴]. اتاق خواب ناصرالدین شاه چهار درب اطراف داشت، یکی از درب ها به اتاق رامشگران باز می شد که قبل از خواب شاه برای او می نواختند. و حین نواختن آنها «نقیب الممالک» که در یکی از اتاق ها بود و با صدای آرام داستان سرایی می کرد یا برای شاه شعر می سرود. یکی از نوازندگان «محمد صادق خان» بود که دستمالی روی سنتور پهن می کرد و صدای ملیحی مثل پیانو از آن درمی آورد. و «غلامحسین تار زن» و «اسماعیل خان کمانچه کش» و «حاجی حکیم آوازه خان» و «جواد خان قزوینی» کمانچه نواز، از نوازندگان مخصوص شاه بودند. این موارد را «دوست علی خان معیرالممالک» نوه ناصرالدین شاه در یادداشت هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه ذکر کرده است. ولی در اکثر آثار نقاشی به دست آمده از آن دوره ما بیشتر شاهد موسیقی مجلسی و بزمی هستیم تا خصوصی از جمله این آثار بانوان دور سماور اثر اسماعیل جلایر، زنان قجری نشسته به دور سماور و زنی در حال نواختن سه تار است و زن دیگر در حال رقصیدن «آن چنان که استنباط می شود ناصرالدین شاه تا حدی ذوق نقاشی و شعر داشته و به نعمات موسیقی ایران هم آشنایی نسبی داشت و استادان فن را تشویق می نموده



است. و در عصر او نوازندگان مشهوری به وجود آمدند. در قدیم به شعرهای آهنگین و موزون و ضربی که در مجالس شادی با ساز و آواز خوانده می شده «قول غزل، ترانه و سرود» می گفتند. و در «صده ۷ ه» به بعد به صورت «تصنیف قول، تصنیف صوت، تصنیف عمل» به کار می رفت. و بعدها تبدیل به تصنیف تنها در آمد. با اشعاری که با مقام های موسیقی و نغمه های زیر و بم ساز و آواز جفت و دمساز شد. این نوع اشعار ضربی و آهنگی و تصنیف و سرود و آهنگ های محلی پیوسته در ایران قاجاریه با مضامین انتقادی ساخته شدند که شمارشان بسیار است. تاسیس موزیک نظام در دوره قاجار در دوره اسلامی در ایران آلات و ادوات نقاره خانه هم به هنگام صلح و هم در موقع جنگ به کار می رفت و تا عصر قاجاریه همچنان معمول بود. در زمان فتح علی شاه قاجار موسیقی نظامی شکل تازه گرفت و تاسیس شد که به دنبال آشنایی قشون ایران با نظام جدید اروپا و فرانسه تجهیز قشون به توپ و تفنگ و تغییر روش نظام و جنگ، ادوات و آلات موسیقی نظامی نیز عوض شد، و موزیک نظامی تازه ای می بایست وظیفه نقاره خانه را انجام دهد. در زمان ناصرالدین شاه پس از تاسیس مدرسه دارالفنون شعبه ای جدید در آن مدرسه برای تعلیم موسیقی نظامی جدید و تربیت متخصص برای موسیقی نظامی تاسیس شد و یک معلم موزیک فرانسوی به نام «لومر» استخدام شد. و در آن زمان «نت» را در ایران رواج دادند. و پس از مدتی دسته موزیک دولتی و گارد سلطنتی به شیوه اروپایی تشکیل شد و پس از آن کلمه فرانسوی موزیک چی و موزیکانچی برای نوازندگان موزیک نظامی معمول گردید. منظور اساسی از تشکیل شعبه موسیقی دارالفنون، تهیه نوازنده آلات بادی موسیقی نظامی و تربیت مربی برای دستجات موسیقی نظامی بود. چون معلم اروپایی زبان فارسی نمی دانست مزین الدوله (میرزا علی خان نقاش باشی) که معلم زبان فرانسه و نقاشی دارالفنون هم بود به سمت مترجمی لومر منصوب و درس موسیقی نظری او برای شاگردان به طور سوال جواب به فارسی ترجمه کرد و اولین کتاب تئوری موسیقی به سبک جدید با جمله های فرانسوی و ترجمه فارسی آنها نوشت، و در چاپ خانه دارالفنون به چاپ رسانید و در دسترس شاگردان مدرسه قرار داد. بعد از فرمان مشروطیت مظفرالدین شاه در «۲۴ ذیحده ۱۳۲۴ ق» در گذشت و چندی بعد محمدعلی شاه بدون دعوت از نمایندگان مجلس تاج گذاری کرد و از همان ابتدا خصومت او با مشروطیت آشکار گشت. تشکیل انجمن های ایالتی در اکثر شهرها آغاز جنبش های ملی در مشهد، استر آباد، اصفهان، گیلان، همدان، لرستان و کرمان و بوشهر و گشاده شدن بسیاری شهرها به دست آزادی خواهان و حوادث بعدی تحرکی را در مردم به وجود آورد و تجمع گروه ها را فراهم ساخت و سدی را که در برابر اجرای موسیقی در انظار عمومی به ویژه از سده اول ه.ق تا اوایل سده چهاردهم وجود داشت تا حدی برطرف کرد. نوازندگان از آن محیط اجتماعی به سرعت استفاده کرده و به تشکیل کنسرت هایی در فضای باز اقدام کردند. یکی از اولین کنسرت های عمومی در باغی نزدیک حومه شهر تهران آن زمان آن باغ بهجت آباد نامیده می شد. به مناسبت تولد حضرت علی (ع) توسط انجمن اخوت به وسیله «صفا علی ظهر الدوله» موسس آن، ترتیب داده شد که چند سال در همان روز ادامه داشت. تعداد زیادی نوازندگان آن زمان در آن کنسرت شرکت داشتند و برای آنکه بتوانند نغمه واحدی را بنوازند نوعی آهنگ ضربی که توسط درویش خان رییس ارکستر ساخته شد و به نام پیش درآمد نام گرفت و همناوای مورد استفاده قرار گرفت. از نوازندگان معروف آن کنسرت ها می توان از: مشیر همایون، سالار معزز، علی نقی وزیری، نایب اسداله و خواننده آواز سید حسین طاهر زاده که تحت نظر درویش خان رییس ارکستر بودند. جشن ۱۳ رجب تولد حضرت علی (ع) و کنسرت انجمن اخوت در آن زمان مصادف است با انزوای محمدعلی شاه (جماد الثانی) و رسیدن مجاهدان گیلان و بختیاری به تهران و فتح تهران و پناه بردن محمدعلی شاه به سفارت روس و کناره گیری آواز سلطنت و پایان استبداد صغیر که سرانجام منجر به اعلام سلطنت احمدشاه (۲۹ جمادی الثانی و ۲ رجب ۱۳۲۷ ه.ق) گشت.

نتایج

به هر حال مطالعه در سیرتاریخ موسیقی ایران نشان می دهد که هرگاه این هنر توسط خود فرهیختگان در حال بالندگی بوده تحول و یا تهاجمی بزرگ این هنر را به قهقرا برده است. از سویی نقش حمایتی حکومت ها نیز به دلیل نگاه ابزاری به موسیقی جهت مجالس تفرج تنها باعث رواج مقطعی نوع خاص موسیقی برای دربارها شد؛ ولی نتیجهی آن حمایت ها ایجاد



نوعی ذهنیت منفی اجتماعی نسبت به موسیقی بود که ردپای آثار سوء آن در پیکره‌ی موسیقی هنوز هم در افکار عمومی پیداست.

منابع

- ۱- برکشلی، مهدی (۱۳۵۵). «اصالت موسیقی ایران»، مجله موسیقی، شماره ۱، سال پنجم، خرداد ماه
- ۲- جوادی، غلامرضا (۱۳۸۰). موسیقی ایران از آغاز تا امروز، ج ۱، تهران: انتشارات همشهری
- ۳- سپنتا، ساسان (۱۳۸۲). چشم‌انداز موسیقی ایران، تهران: موسسه فرهنگی هنری ماهور
- ۴- فروغ، مهدی، سامی، علی و دیگران (۱۳۸۳). مجموعه مقالات، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۵- مراغی، عبدالقادر بن عینی (۱۳۵۶). مقاصد الالحان، به اهتمام تقی بینش، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ۶- مشحون، حسن (۱۳۸۰). تاریخ موسیقی ایران، تهران: فرهنگ نشر نو
- ۷- گذری تاریخی بر زندگی‌نامه آیات عظام، روحانیون، علما و بزرگان کاشان، سید علیرضا آشفته، سید جمال آشفته، آیت‌الله میر سید محمد یثربی، انتشارات فرهیختگان دانشگاه، چاپ اول ۱۳۹۵
- ۸- موسیقی در ادبیات تألیف: طغول طهماسبی؛ انتشارات: نقش جهان سال چاپ ۱۳۸۰
- ۹- تاریخ موسیقی ایران تألیف: حسن مشحون؛ چاپخانه: رخ، سال چاپ: ۱۳۷۳
- ۱۰- موسیقی ایران از آغاز تا امروز تألیف: غلامرضا جوادی؛ انتشارات: همشهری، سال چاپ: ۱۳۸۰